

## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على مولانا و سيدنا و نبينا محمد و آله اجمعين.  
عرض سلام و ادب و احترام داريم خدمت مخاطبان گرامي و فرهیختگان عزيز و عرض تشکر  
از حضور گرمشان و همچنين عرض تبریک ايام به خصوص ميلاد موفور السرور امير المؤمنين  
امام علی (عليه السلام) بر همه‌ی شیعیان و بر شما مخاطبان ان شاءالله که خداوند توفیق بدهد از  
شیعیان واقعی آن حضرت و فرزندانش باشيم.

## رویکرد اقتصادی

در این سلسله جلسات به آخرین رویکرد می‌رسيم؛ یعنی «رویکرد اقتصادی»، رویکرد علمی  
را بحث کردیم، رویکرد سیاسی را بحث کردیم، رویکرد تمدنی را هم بحث کردیم، رویکرد  
اقتصادی را هم ان شاءالله در این دوره بحث می‌کنيم و دو رویکرد مهم اجتماعی و فرهنگی را  
می‌گذاريم برای کارگاه بعد؛ چون مباحث آن دو رویکرد بسیار بسیار فراوان است و اهمیت دارد و  
اگر ما می‌خواستيم در این دوره بحث بکنيم عملاً ذبح می‌شد و هدر می‌رفت، از این جهت کارگاه  
مستقلی برای آن ان شاءالله تعبیه کرده‌ايم که آن کارگاه فراجنسیتی است، دیگر اختصاص به زنان  
نخواهد داشت.

## چیستی «رویکرد اقتصادی»

اما رویکرد اقتصادی، اصلاً منظورمان از رویکرد اقتصادی چیست؟

در این جا منظورمان از اقتصاد هر آنچه به مال و مالیت و ملکیت مربوطه می‌باشد، حالا که  
این مال، مال منقول باشد - مثل پول، درهم، دینار- و چه مال غیر منقول - مثل زمین، خانه، و  
باغ و غیره-، منظورمان از رویکرد اقتصادی در این جلسه هر آنچه مربوط به ثروت زن و ارتباط  
زن با مال و مالیت است، پولی که زن دارد، پولی که زن کسب می‌کند، پولی که زن بخشش  
می‌کند، اموالی که به او می‌رسد، طرق رسیدن این اموال به او و مسایل مرتبط با مال و مالیت،  
این را به آن می‌گویيم «رویکرد اقتصادی».

## اهمیت «رویکرد اقتصادی»

خوب اهمیت آن چیست؟

اهمیتش در چند جهت می‌تواند باشد:

اول این که کم روی این رویکرد کار شده شما نگاه بکنید به -مثلا- نوشته‌هایی که درباره رویکرد سیاسی هست، درباره‌ی زنان و رویکرد اقتصادی می‌بینید که نوشته‌ها در رویکرد اقتصادی بسیار بسیار اندک است.

نکته‌ی دوم این که مسالهی روز است بحث اشتغال زنان، بحث کسب زنان، بحث نقش زنان در اقتصاد، این مسالهی روز است.

و نکته‌ی سوم این که اسلام -مثل برخی از موارد دیگر- حالا چه اسلام چه تشیع در این جا متهم هستند، به این معنا که متهم هستند به اقتصاد زنان ندادند، به آنها به نقش زن در اقتصاد ندادند و از نظر اقتصادی تبعیض گذاشتند بین زن و مرد، و کل اقتصاد یا جل اقتصاد -قسمت عمده‌ی اقتصاد- را سپردند به مردان، و مردان را حاکم کردند بر اقتصاد.

نکته‌ی دیگر در بحث روانشناسی ممکن باشد و آن بحث کار است که اصلا نقش کار در روانشناسی فرد چیست؟ خوب طبیعتا می‌گویند حالا و لو این که پولی دریافت نکند -حالا شخص- در مقابل کار اما از نظر روانی احساس مفید بودن به انسان دست می‌دهد، حالا بعضی‌ها ممکن است مثلا وقتی کار نکنند -و لو این که پول آنها گذاشته باشند [در یک] جایی درآمد داشته باشند- احساس مفید بودن نداشته باشند، و این احساس مفید بودن در سلامت روان بسیار موثر است و باعث نشاط انسان می‌شود، ولی حالا شما بیا فرض بکن که مثلا اسلام این راه را بر زن بسته باشد خوب این یک اثرگذاری منفی هست.

مسالهی دیگر که خیلی مهم است، در مباحث دیگر مربوط به زنان هم مهم است، ما تا کنون به آن کم پرداختیم، بحث انسان‌شناسی است، ببینید اگر درباره‌ی نقش و جایگاه زن در رویکردهای مختلف بخواهید بحث بکنید بدون انسان‌شناسی نمی‌توانید بحث بکنید، یعنی از نظر مباحث انسان‌شناسی نگاه به زن چیست؟ آیا نگاه به زن مثل نگاه به یک انسان است؟ چه نوع انسانی

است؟ انسان کریم؟ انسان دارای ارزش؟ انسان برابر با مرد یا نه یک انسان درجه دوم؟ ببینید مرتب بحث شده، ما بحث تفاوت را قایل هستیم، مسلماً بین مرد و زن از جهت جسمی، از جهت روانی، از جهت شخصیتی، تفاوت‌هایی هست، اما این تفاوت‌ها آیا باعث می‌شود که ما نگاه فروتر و فراتر داشته باشیم؟ یک جنسی را فرا بدانیم و یک جنسی را فرو؟ یا نه این تفاوت‌ها طبیعی است، مثل تفاوت‌هایی که در انسان‌های مختلف وجود دارد، مثل کسی که مثلاً استعداد فنی دارد، کسی ندارد، گفتیم برخی از این فضل‌الله‌هایی که { فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ } نگاه به این تفاوت‌ها و نوع استعدادها است، مثلاً زن عطوفت بیشتری دارد که آن را متناسب می‌کند برای مثلاً خانه‌داری و بچه‌داری، و حتی در برخی از کشورها به این نتیجه رسیدند که معلم‌های ابتدایی زن باشند به خاطر این روحیه است، اما این تفاوت‌ها موجب تنقیص نمی‌شود، وقتی قرآن می‌فرماید { وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ } این شامل زن و مرد می‌شود، از نظر انسان‌شناسی نگاه انسان‌شناسانه‌ی قرآن به جنس زن و مرد از نوع تنقیص نیست که حالا بعد اشاره خواهیم کرد و خوب هست که در مبانی این بحث انجام بشود، و همین‌طور در سیره و سنت پیامبر (صلوات الله علیه و آله) و ائمه‌ی طاهرین (علیهم السلام).

یک بحثی روش‌شناسانه ما در طول این دوره داشتیم و آن عنوان، عنوان اسناد بالا دستی محکم بود، وقتی ما نگاه انسان‌شناسانه قرآن را به دست آوردیم، نگاه انسان‌شناسانه سنت را به دست آوردیم، و دیدیم که نگاه تنقیصی نیست به زن، آنگاه می‌توانیم گزارش‌های ضعیف و روایات ضعیف را به این نگاه عرضه کنیم و و آن‌ها را نقد بکنیم و بگوییم اصلاً این گزارش‌های ضعیف - مثل گزارش‌هایی که قبلاً داشتیم تعلیم کتابت ندهید، تعلیم سوره یوسف ندهید - به قول معروف با گروه خون این بزرگواران سازگار نیست و مخالف است و طبیعتاً باید به دیوار زده بشود و زخرف و باطل دانسته بشود.

پس خود این نگاه انسان‌شناسانه و استخراج این نگاه انسان‌شناسانه از قرآن، از سیره، از سنت، این خودش یک بحث مهمی است، آن وقت این نگاه انسان‌شناسانه را شما باید از جامعه و فرهنگ هم به دست بیاورید، فرهنگ ایرانی نسبت به زن چیست؟ فرهنگ عربی نسبت به زن چیست؟ و همین‌طور جوامع در طول تاریخ: جامعه‌ی عربی در زمان جاهلیت، جامعه‌ی عربی در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، جامعه‌ی عربی در زمان خلفا، جامعه‌ی عربی در زمان امام علی (علیه السلام)

و جامعه‌ی عربی در زمان امویان و عباسیان، نگاهشان به زن به صورت کلی و به اقتصاد زن به صورت موردی چه بوده؟ یک مثال می‌زنیم مثلاً درباره‌ی مهریه‌ی زنان این که این مهریه چه مقدار باشد، خوب در آیات قرآنی داریم که مهر سقف ندارد، گرچه در سنت نبوی داریم که مثلاً پانصد درهم باشد که حالا بحث آن را خواهیم کرد، خوب است پانصد درهم باشد، پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین عمل کرده یا ائمه (علیهم السلام) هم طبق این سنت توصیه می‌کردند، اما نگاه قرآنی به این مهریه چیست؟ نگاه قرآنی این است که شما می‌توانی مال کثیر به زن به عنوان مهر بدهی، سوره نساء آیه ۲۰ {وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَأَنْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا...} اگر شما خواستید به اصطلاح همسر عوض بکنید -حالا این مورد، مورد خاصی نیست، کلی هست، مفسران استنباط کلیت کردن؛ نه فقط به این که بخواهید شما همسر عوض بکنید- و به یکی از این زنان خود قنطار دادید، قنطار یعنی مال کثیر است که سقف مشخصی هم ممکن است نداشته باشد، حتی بعضی‌ها تا مثلاً سیصد هزار دینار گفتند این قنطار را، به هر حال مال فراوان است، بسیار فراوان است، وقتی که می‌خواهید طلاق بدهید این زن را خوب این مهری که دادید ملک زن است، {فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا} چیزی از او نگیرید، از آن زن چیزی نگیرید، مفسرین گفتند که در جاهلیت وقتی می‌خواستند زنی را طلاق بدهند و زن دیگری بگیرند مهریه‌ی این زن را می‌گرفتند -حالا چه کثیر چه قلیل- و می‌دادند به زن دوم، قرآن این را نهی می‌کند، و ضمناً نظرش این است که شما مال کثیر می‌توانید به زن بدهید، حالا فرض کنید مثلاً یک شخصیت سیاسی مثل خلیفه‌ی دوم می‌رود بالای منبر و سقف تعیین می‌کند به صورت اجباری برای زن -خوب این حاکی از نگاه انسان‌شناسانه او هست- که یک خانمی اعتراض می‌کند، این آیه را برای او می‌خواند، کانه این آیه را قبلاً نشنیده، و حالا طبق گزارش‌های اهل سنت که در درالمنثور یا تفسیر قرآن ابن کثیر آمده خلیفه‌ی دوم می‌گوید که همه‌ی شما اعلم هستید از عمر حتی المخدرات فی الحجال، حتی زنان پرده‌نشین، خوب ببینید حتی خود این تعبیر "مخدرات = پرده‌نشین" این‌ها حاکی از نگاه انسان‌شناسانه است، خوب فرهنگ‌های مختلف ممکن است نگاه انسان‌شناسانه متفاوتی داشته باشند، کما این که فرهنگ قبل از انقلاب در جوامع سنتی و دینی به زن تفاوت می‌کرد با فرهنگ بعد از انقلاب، مکان‌ها، زمان‌ها، شخصیت‌ها، این‌ها ممکن است در این نگاه انسان‌شناسانه تاثیرگذار باشد.

خوب این مقدمات بحث بود.

اما درباره‌ی خود بحث ما چند تقسیم‌بندی داریم:

یکی از تقسیم‌بندی‌ها تقسیم‌بندی زمانی هست، یعنی اقتصاد زن در جاهلیت، اقتصاد زن در دوره پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اقتصاد زن در دوره‌های بعدی.

و یکی از این تقسیم‌ها تقسیم درآمد هزینه کرده؛ یعنی این که زن از چه راه‌هایی درآمد داشته - نه که می‌تواند درآمد داشته باشد، درآمد داشته - و هزینه کرده‌های زن چه بوده است؟

اما تقسیم‌بندی اول:

## اقتصاد زن در دوره‌های مختلف

### ۱. اقتصاد زن در جاهلیت:

درباره‌ی اقتصاد زن در جاهلیت ما گزارش‌های متفاوت و بعضاً متناقضی داریم، ببینید بحث جاهلیت یک بحث مهمی هست، و ما در نوشته‌ها می‌بینیم که به افراط و تفریط رفته‌اند، مثلاً گزارشی است از قرآن و از سیره که مردی دخترش را زنده به گور کرد، اما باید توجه داشته باشید که این یک رسم شایعی در میان همه‌ی قبایل عرب زمان جاهلیت نبوده، مکه، مدینه، طایف، یمن، این‌ها این گونه نبوده که این رسم در آن‌ها شایع باشد، بلکه موارد اندکی بوده گزارش شده یا در همان زمان یا مثلاً شخصی می‌آید خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض می‌کند که من چنین می‌کردم، اما این کار به گونه‌ای است که یک موردش هم زیاد است، به خاطر همین قرآن تاکید می‌کند و در روایات هم تاکید شده، {وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ} این شیوع نداشته که همه این گونه باشند، همه - به اصطلاح - دخترگریز باشند، از دختر بدشان بیاید، بله ممکن است عده‌ای که مثلاً حالا قبایل بدوی و بیابانی و جنگجو بودند که مسالهی اول آن‌ها مسالهی جنگ بوده و دخترها در جنگ اسیر می‌شدند، ممکن است برای بعضی‌ها این دغدغه بوده، اما چنین نبوده که به صورت کلی باشد.

خوب درباره‌ی اقتصاد زن در دوره جاهلی ما هم موردهایی داریم که برای زن ارزش قایل نبودند و هم موردهایی داریم مثل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) که این زن ثروتمندی

بوده، مالش مال خودش بوده، و خودش روی مالش مدیریت می‌کرده، و زن مدیری هم بوده، معامله می‌کرده، مضاربه می‌کرده، و این مالش با این مدیریت اقتصادی این زن توفیق پیدا می‌کرده؛ یعنی فراوان‌تر می‌شده، بیشتر می‌شده، از این گونه گزارش‌ها را هم ما داریم.

اما آن گزارش‌هایی که نشان می‌دهد که به اقتصاد زن در دوره‌ی جاهلیت بی‌مهری می‌شده این‌ها را می‌توانیم از برخی از آیات قرآنی به دست بیاوریم، و نشان بدهیم که بله قرآن که خودش یک کتاب تاریخ‌نگاری هست به این نکات توجه کرده، و این نشان دهنده‌ی این است که چنین چیزی واقعیت داشته، حالا ما مصداق آن را بتوانیم در تاریخ نشان بدهیم یا نتوانیم؛ چون قرآن فرموده ما آن‌ها را می‌پذیریم، و قرآن برای ما سند محکمی است، مثلاً درباره‌ی ارث زن ما دو تا بحث داریم: یکی ارث بردن زن است، و یکی ارث شدن زن است که خوب این دومی خیلی بدتر است.

از برخی از آیات قرآن و توضیحاتی که مفسران دادند ما می‌توانیم استنباط کنیم که در جاهلیت در برخی از نقاط و موارد زن ارث می‌شده، یعنی چیست؟ یعنی مردی که از دنیا می‌رفته پسران این مرد -حالا یا مادرشان باشد یا نامادرشان باشد- زن این مرد را ارث می‌بردند، جزو مالشان می‌شد، می‌توانستند بدون مهریه با او ازدواج کنند، و می‌توانستند او را به ازدواج کسی در بیاورند و پولش را بگیرند، مهریه‌اش را بگیرند، یا خدای نکرده مثلاً از راه تن‌فروشی او را اجاره بدهند و درآمد کسب کنند که قرآن به شدت با این مساله برخورد می‌کند و بدین ترتیب یک نوع آزادی به این نوع زنان می‌دهد که زن آزاد است و وقتی که شوهرش از دنیا می‌رود ارث نمی‌شود، سوره‌ی نسا آیه‌ی ۱۹ {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِيَتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ ...} ای کسانی که ایمان آوردید حلال نیست بر شما این که زنان را ارث ببرید {أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا} برخی‌ها فکر می‌کنند که "أَنْ تَرِثُوا مِنَ النِّسَاءِ" نه {أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ} خود زنان را ارث ببرید در حالی که آن‌ها را مجبور می‌کنید، خوب این نشان می‌دهد که بله واقعیت داشته، چنین چیزی که خود زنان را ارث می‌بردند، این در بحث ارث شدن زنان است که دیگر چنین رسمی و لو این که کم بوده ولی اسلام با این آیه‌ی صریح آن را برمی‌اندازد، خوب ادامه‌ی آن {وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ ...} بحث مهر است.

اما در باب ارث بردن زنان است، ببینید چندتا کلید واژه خدمتتان عرض می‌کنیم: یکی بحث کلیدواژه‌ی "ارث" هست، یکی کلیدواژه‌ی "نساء" هست، یکی کلیدواژه‌ی "بنت" هست، یکی کلیدواژه‌ی "اُخت" است، یکی کلیدواژه‌ی "انثی" است، یکی کلیدواژه‌ی "أم" است، یکی کلیدواژه‌ی "زوج" یا "ازواج" است، با این کلیدواژه‌ها ما می‌بینیم که اسلام در زمینه‌های مختلف برای زن حق ارث قائل است، حالا درست است که این ارث ممکن است با ارث جنس ذکور تفاوت داشته باشد، اما به هر حال حق ارث قائل است، حالا مثلاً بحث ارث زوجین، توارث زوجین، یک نکته‌ی ادبی خدمتتان عرض بکنیم درباره‌ی زن و شوهر در قرآن در هر دو از لفظ "زوج" استفاده شده، ما لفظ "زوجه" را در قرآن نداریم، و باز این یک نوع احترام به زن است، مثلاً درباره‌ی توارث زوجین می‌فرماید: {وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لِهِنَّ وَوَلَدٌ...} شما از زنان شما ارث می‌برید، نصف اموالشان را ارث می‌برید اگر فرزند نداشته باشند، سوره‌ی نساء آیه‌ی ۱۲، و پس از آن با چند عبارت می‌فرماید: {... وَلِهِنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَوَلَدٌ...} و آن‌ها هم از شما ارث می‌برند، حالا مقدارش فرق می‌کند، شما نصف ارث می‌بردید، آن‌ها ربع از اموال شما ارث می‌برند اگر شما فرزند نداشته باشید، {... فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَوَلَدٌ فَلِهِنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ...} و بعد ادامه دارد، پس ببینید این را ببینید در چه فضایی نازل شده، در فضایی نازل شده که اصلاً خود زن را به ارث می‌بردند، حالا برای زن یک حقی قائل شدند ربع است، یعنی نصف حقی که برای مرد در ارث قائل شدند، حالا این تفاوت را هم ممکن است بحث بکنیم و ممکن است به بحث‌هایی که دیگران کردند اکتفا بکنیم، خوب این یک بحث است که به هر حال قرآن دارد مسأله‌ی ارث زنان را مطرح می‌کند، و این گونه حق عظیمی برای آن‌ها قائل می‌شود. و همین طور این کلیدواژه‌هایی که گفتیم: ارث دختران، ارث مادران {فَالأُمَّهُ السُّدُسُ}، ارث خواهران، یعنی ارثی که خواهران از برادران می‌برند در صورتی که فرزند و پدر و مادر نداشته باشد، و موارد دیگر که درباره‌ی ارث است.

همین جا یک اشاره‌ی بکنیم حالا این که چرا ارث زن و مرد متفاوت است، بحث‌های مختلفی شده از جمله بسترشناسی کردند آن زمان را، یک بحث مهم روشمندان که می‌خواهند بکنند و بحث‌های بسیار بسیار مهمی هست، بحث تاریخ‌مندی آیات قرآنی، ببینید یک وقت ما می‌گوییم که این آیات در این بستر نازل شده، پیشینه آن این است، پیش‌زمینه‌ی آن این است و مفاد آن

هم این است، سر این بحثی نیست، اما برخی‌ها آمدند گفتند چون در این زمینه، با این بستر، با این پیشینه نازل شده پس مخصوص به آن زمان است، مثلا گفتند ببینید زنان در چنین جامعه‌ای عربی زندگی می‌کردند که بر فرض مسؤلیت خانواده نداشتند، در اقتصاد نقشی نداشتند، بنابراین ارثشان نصفه می‌شده، {لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ}، پس الآن که شرایط فرق کرده طبیعتا باید این مقدار هم فرق بکند، و ما برویم سراغ حقوق بشر ببینیم که زن چه جایگاهی در بشریت دارد، چه تفاوت‌هایی با مرد دارد و زمانه‌ی امروز چه اقتضایی می‌کند، این بحث، بحث "تاریخ‌مندی" است که گزاره‌های قرآنی منحصر هستند در تاریخ نزولشان، این بحث خیلی شایعی هست در فتاوی‌ای فقهی هم تاثیر گذاشته، کتاب‌هایی هم در این باره نوشته شده که یکی از این کتاب‌ها که بار دیگری به آن اشاره کردیم کتاب «بضاعت فقه و گستره نفوذ فقها»؛ یعنی بضاعت فقه چه مقدار است؟ و فقها چه گستره‌ای از نظر نفوذ در این فقه دارند؟ و چه مقدار از این موارد واقعا مال خود فقه است و چه مقدار مال فقها؟ این را خانم صدیقه و سمرقی نوشته که ظاهرا دکترای علوم قرآن هم داشته، رساله‌ی دکتری او بوده در دانشکده الهیات هم تحت راهنمایی برخی از اساتید بزرگوار این را دفاع کرده، و خواسته کتاب کند، به او اجازه ندادند، اما الآن در اینترنت قابل دستیابی هست، من خودم هم دارم این کتاب را، کاری به قوت و ضعف این کتاب نداریم، بیشتر سر بحث روش‌مندی این کتاب هستیم، ببینید چه درباره‌ی ایشان، چه درباره‌ی کسانی دیگری مثل آقای ترکاشوند که حجاب شرعی در اسلام را نوشته، ما باید بین دو مقوله تفکیک کنیم: یکی مقوله‌ی فقهی است و یکی مقوله‌ی تاریخی، ما الآن که داریم بحث می‌کنیم مباحث تاریخی می‌کنیم، به عنوان مورخ بحث می‌کنیم، می‌بینیم که در زمان جاهلیت نگاه به زن این طور بوده، آیات در این زمینه نازل شده، مفاد آیات این است، و این‌ها را می‌توانیم درک بکنیم و بیان کنیم، اما فقه خودش یک مکانیسم جدایی دارد، ما وقتی که گفتیم حجاب در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین بوده، نمی‌توانیم بگوییم حجاب شرعی، حجاب فقهی؛ چون ما کار تاریخی داریم می‌کنیم، حالا آیا صدور یک حکم در یک بستر موجب منوط شدن حکم به آن بستر می‌شود که اگر آن بستر از بین برود حکم از بین برود یا نه این فقط نقش بستر را دارد، نقش زمینه را دارد، به اصطلاح به عنوان علت حکم نیست، به عنوان حکمت حکم است، این یک بحث فقهی است، و در تخصص تاریخی‌ها نیست، حالا باید ببینیم که اصلا در این زمینه بوده یا نبوده و تاریخ‌مندی وجود دارد یا وجود ندارد؟



بحث تاریخ‌مندی آیات قرآنی در مقوله‌ی فقه هست، در مقوله‌های دیگر مثل کلام و عقاید و این‌ها هم هست، و متأسفانه قشر مذهبی و سنتی ما در این زمینه‌ها کار نکردند، پیشنهاد می‌کنیم جوامع زنانه‌ی ما مثل جامعه الزهراء، دانشگاه الزهراء، مجتمع بنت‌الهدی و مطالعات و تحقیقات زنان بیابند روی این کتاب کار بکنند، به عنوان یک کتاب نمونه کار بکنند، روش‌های آن به دست بیاورند، نقایص آن را به دست بیاورند، محتوای آن را کار بکنند، استنادات آن را کار بکنند، و یک نقد قوی به این کتاب و کتاب‌های مشابه داشته باشند، حالا این در ایران هست، در خارج هم از این نوشته‌ها ما فراوان داریم، یادم هست که یک زمانی خانم دکتر طیبی روی این زمینه‌ها تخصص پیدا کرده بودند، اما ما کار فکری قوی لازم داریم در نقد این گونه آثار و این که اجازه چاپ ندهیم، اجازه‌ی انتشار ندهیم، اجازه‌ی بیان ندهیم، این حل مساله نیست، این پاک کردن سرعت مساله است.

یک استقرای ناقصی داشتیم، یک استقرای کامل نداشتیم، حالا مخاطبان گرامی بنده را روشن بکنند که آیا کتابی در سطح این کتاب به عنوان نقد نوشته شده یا نوشته نشده که همه‌ی مسایل قصاص، ارث، دیه و مهر و همه‌ی چیزها را زمان مند می‌داند، تاریخ‌مند، منحصر به تاریخ خودش که با عوض شدن زمان است ممکن است این احکام هم تغییر بکند. به هر حال این یک رسالتی است، حالا اگر شده در گروه معرفی بفرمایید، حتی ما معتقدیم برخی از خواهران فرهیخته‌ی گرامی که در سطح بالایی هستند این کتاب را مباحثه کنند، صفحه به صفحه مباحثه کنند، به عنوان یک کتاب نمونه، همین طوری ما این گونه کتاب‌ها و آثار را به عنوان این که بی‌سواد بوده، چیزی بلد نبوده، فقیه نبوده، چیزی نمی‌دانسته، این جوری کنار نزنیم، بین الان ما یک سرنخ دادیم که فقه با تاریخ فرق می‌کند، این را ما می‌توانیم بیشتر مستندش بکنیم و روشمندش بکنیم و بحث بکنیم.

اما یک مساله‌ی دیگر که از قرآن به دست می‌آوریم که در جاهلیت به گونه‌ی دیگری برخورد می‌کردند، بحث کسب و نصیب است، این که آیا زن حالا بر فرض کار بکند این حاصل کار - مزدکار - مال خودش است یا مال مثلاً پدرش یا مال شوهرش؟ در قرآن آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی نساء می‌بینیم تصریح دارد: {لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ} در این جهت زن و مرد فرقی ندارند، زن هر چه کسب کرد - کار کرد - مال خودش است، و مرد هم همین طور است، این نصیب و بهره‌ی کار مال خودشان است و کسی حق ندارد به زور این نصیب را از آن‌ها

بگیرد، حتی این کسب را ببینید چقدر قرآن تکیه دارد می‌فرماید که اگر زنی را طلاق دادید و بچه از آن زن داشتید و این بچه نیاز به شیر داشت و سپردید به این زن سابقتان که شیرش بدهد، {فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ} اگر این‌ها برای شما شیر دادند مزدشان را بدهید، این طور نباشه که بگویید حالا این مادر بچه است و مزد و بهره‌ای ندارد.

خوب پس با این‌ها و در مجموع ما به دست می‌آوریم که بله قرآن به اقتصاد زن اهمیت داده، این اقتصاد را هم پای مرد دانسته، به جاهلیت انتقاد دارد، و نگاه انسان‌شناسانه‌ی قرآن به زن برابر با مرد است و نگاه متفاوتی به خصوص در کسب ندارد.

بله در بحث قصاص و دیه و مقدار ارث یک تفاوت‌هایی هست که بحث‌های فراوانی درباره‌ی این تفاوت‌ها شده که ما وارد آن بحث‌ها نمی‌شویم، و آن بحث‌ها از باب بحث‌های تاریخی نیست، فقط ما می‌توانیم بگوییم که زمینه چه بوده یا موقعیت زن در آن زمان چه بوده، اما این بحث‌ها باعث تاریخ‌مندی مباحث فقهی نمی‌شود.

## ۲. اقتصاد زن در سیره معصومین (علیهم السلام):

خوب اما در سیره و سنت معصومان و به ویژه پیامبر اعظم (صلوات الله علیه و علیهم) ما باز می‌بینیم که زنان کار می‌کردند، و پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌آمدند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) کار آن‌ها را تایید می‌کرده، و نصیب بردن آن‌ها از کارشان را تایید می‌کرده، و حالا ممکن بوده که یک توصیه‌هایی به آن‌ها در رابطه با کارشان داشته باشد.

مثلا کارهایی که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده یک مقاله‌ی خوب به شما معرفی بکنیم می‌توانید این مقاله را شما گسترش بدهید به نظرم یک مقاله‌ی جامعه‌ای آمد درباره‌ی استقصای موارد «گونه‌شناسی اشتغال زنان در عصر نبوی؛ پژوهشی در تاریخ و سیره اجتماعی»<sup>۱</sup> خانم فاطمه‌ی رضوانی، به گونه‌های مختلف اشتغال زنان پرداخته که خوب مهم‌ترین آن تجارت است و مثال واضحش حضرت خدیجه (سلام الله علیها) هست، اشاره می‌کند که زنان

۱ آدرس مقاله در سایت پرتال جامع علوم انسانی:

<https://ensani.ir/fa/article/۴۲۶۷۲۶-و-سیره-در-تاریخ-پژوهشی-عصر-نبوی-گونه-شناسی-اشتغال-زنان-در-عصر-نبوی-پژوهشی-در-تاریخ-و-سیره-۴۲۶۷۲۶>

[اجتماعی](#)

در عید فطر و عید قربان بساط پهن می کردند، دستفروشی می کردند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم اجازه داده، کلمه‌ی «لِلتَّعْرِضِ فِي الرِّزْقِ» آمده، خانم‌هایی مثل زینب و حواء عطر فروشی می کردند، حتی عطر به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فروختند، و پیامبر (صلی الله علیه و آله) تایید می کرده فقط می فرموده که مثلاً چگونه بفروشید، یا حتی اشاره کرده که زنانی دباغی می کردند، حتی همسر خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) زینب بنت جحش دباغی می کرده، یا همسر عبدالله بن مسعود صنعتگر بوده، زنانی دایگی می کردند، از دایگی درآمد داشتند، خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) زمان جاهلیت حلیمه سعیدیه بوده که دایگی خود پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به عهده داشت، آرایشگری در میان زنان فراوان بوده، ما در فقه هم بحث "ماشطه" را داریم، و برخی از احکام دیگر مثل مثلاً "واصله" و "مستوصله"، آیا اگر زنی آرایشگر موی زنی را ببرد با رضایت خودش و به موی زن دیگری اضافه کند این جایز برای او یا نه، "واصله" یعنی آن زنی که وصل می کند و "مستوصله" زنی که این مو به او وصله شده، جالب است چه در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و چه در زمان ائمه (علیهم السلام) ما یک شغلی برای زنان داشتیم به عنوان شغل "نائحه" -نوحه خوان، ندبه خوان- که ظاهراً گفتند امام باقر (علیه السلام) که فرموده ده سال برای من نوادب -ندبه خوان‌ها- در منا بخوانند، شاید اشاره به زنان داشت، حالا آن بحث است، اما بحث نوائح که در زمان امام صادق (علیه السلام) بوده، در پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم بوده، بحث مهمی است که زنانی بر مرده یا در مجالس میت می خواندند و پول می گرفتند که یک کسی می آید پیش امام صادق (علیه السلام) می پرسد: این پول حلال یا حرام است؟ و امام می فرمایند: آیا شرط می کند یا می کند؟ اگر شرط نکند مشکلی ندارد. باز در همین مقاله به مساله‌ی ساربان‌ی زنان، پرورش اسب، رنگرزی، مامایی، کشاورزی، چوپانی زنان اشاره کرده، حالا ممکن است ما اختلاف داشته باشیم در برخی از این موارد که آیا این موارد واقعا طبق استنباطی که این خانم - خانم رضوانی - کرده درست هست یا درست نیست.

و ادامه‌ی این مقاله دو تا مقاله دیگر هست، آن‌ها هم خوب است نگاه بکنید «مشاغل زنان در عصر رسالت» آقای سید محسن سعیدزاده، و «زنان در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)؛ از فعالیت در میدان جهاد تا عطر فروشی و تجارت»، یک نکته‌ی جالبی خدمتان عرض بکنیم حالا خودم استنباط کردم شما باز ببینید که درست هست یا نیست، به نظر بنده در اواخر

دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه ثروت مندترین زن حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بوده، حالا غیر از سهم‌هایی که داشته و بخشش‌هایی که به او می‌شده، مثلا مثل بحث باغ‌های هفتگانه مخیریق که حالا واگذار شده به نحوی صدقات حتی فدک را ما قائلیم که ملک حضرت (علیها السلام) بوده، حضرت (علیها السلام) کارگزار داشته و درآمد کسب می‌کرده و دارای ارزش فراوانی بوده، شما یک استقصایی بفرمایید در دوره‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) ببینید هیچ زنی به این مقدار ثروت داشته یا ثروت نداشته، حالا ما پا را فراتر می‌گذاریم می‌گوییم اصلا در کل جامعه‌ی اسلامی آن زمان ما چند انسان ثروت‌مند در این حد داریم، این جا را باز من استقصا نکردم اما حدس می‌زنم اگر شما استقصا بکنید، تحقیق بکنید، شاید حضرت در میان پنج ثروتمند آن زمان جهان اسلام بوده، ثروت شخصی، حالا باز الآن من کسی در ذهنم نیست که بگوییم آن زمان ثروت شخصی او از حضرت زهرا (سلام الله علیها) بیشتر است، الآن در ذهنم نیست، نمی‌گوییم نبوده، الآن در ذهنم نیست که شما می‌توانید کار بکنید، ببینید که واقعا چنین بوده یا نه، و اگر ما این گزاره را بتوانیم ثابت بکنیم خوب به هر حال بسیار بسیار مهم است که در اسلام یک زن از نظر ثروت به این ردیف می‌رسد و به چنین جایگاهی دست پیدا می‌کند.

### نماد بودن "غزل" به عنوان بهترین شغل در روایات

اما بحث آخری که داریم بحث مغزل است، بحث غزل است، ما روایت‌های متفاوت و مختلفی درباره‌ی غزل داریم که مثل این که مثلا پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا ائمه (علیهم السلام) سفارش می‌کنند به این غزل و این را نماد یک شغل حلال و خوب برای زن می‌دانند، به نماد بودن این غزل توجه بفرمایید، شاید احادیثی که قبلا خواندند و می‌خواستند زن را منحصر در مغزل بکنند یک خطی کرده باشند بین نماد بودن و بین انحصار، مثلا امام علی (علیه السلام) یک زنی را می‌بیند که بیرون خانه نشسته و دارد ریسندگی می‌کند و امام (علیه السلام) می‌فرماید این حلال‌ترین رزق است، روایاتی ما نیز داریم از امام صادق (علیه السلام) و امامان (علیهم السلام) دیگر که توصیه به این غزل می‌کنند، و از مردان می‌خواهند که خانواده‌هایشان را به سمت غزل سوق بدهند، و آن را به اصطلاح به عنوان یک شغل خوب معرفی بکنند، در برخی از منابع از این غزل با عنوان "طیبات الکسب" نام برده شده، و یک روایتی هم داریم که متنش خیلی جالب است

می‌فرماید که «وَنِعْمَ اللَّهُ الْمَغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ»، حالا لهُو را نباید معنای منفی بگیریم، لهُو و لعب، و چه خوب سرگرمی است، سرگرمی بگوییم، خوب ببینید لهُو و لعب که در مسیر خدا نباشد و در مسیر ضد خدا باشد حرام است، اما یک بحث سرگرمی هم داریم، ما یک نیازی هم به سرگرمی داریم، انسان یک نیازی به سرگرمی دارد که بعضی وقت‌ها در بعضی از کلمات این دوتا معنای لهُو با هم خلط شده، از جمله در باب موسیقی که خلط کردند که فکر کردند حالا کل موسیقی از آن مصادیق لهُو ضد خدایی است، «وَنِعْمَ اللَّهُ الْمَغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ» خیلی سرگرمی خوبی است، آن نخ‌ریسی، چرخ نخ‌ریسی برای زن صالح، برای زنی که می‌خواهد در مسیر صلاح و خوبی باشد، این دارد نماد معرفی می‌کند، و ما حتی برخی از اخباریان عنوان دادند در کتاب خودشان مثل مثلا صاحب وسایل الشیعة "استحباب الغزل للمرأة" از کلمه‌ی استحباب استفاده کردند؛ چون حالا ائمه (علیهم السلام) سفارش کردند این بحث استحباب را پیش آوردند، حضرت علی، امام صادق و دیگران (علیهم السلام) سفارش کردند، حالا باید دنبال علتش بگردیم که چه بوده؟ مثلا هم به اقتصاد کمک می‌کرده، هم باعث اشتغال زنان می‌شده، باعث درآمد زنان می‌شده، هم مثلا زنان را از اختلاط با مردان جدا می‌کرده، و جای کار است، به نظر من باز این یک موضوعی می‌تواند محور یک مقاله باشد که چرایی نماد بودن غزل به عنوان بهترین شغل یا به عنوان شغلی خوب برای خانواده‌ها، و باز تاکید بکنیم و تفکیک بکنیم غزل به معنای نماد آن را از قزل به معنای انحصار، بله نماد است همچنان که گفتیم، شغل‌های دیگر هم هست، اما انحصار نیست، شاید برخی از این سازندگان روایات که آن روایت مغزل را ساختند بین این دو خلط کرده باشند.

این قسمت اول درباره‌ی بحث اقتصاد زنان در اسلام با توجه به نگاه انسان‌شناسانه، با توجه به جاهلیت، قرآن، و سیره‌ی پیامبر و سیره‌ی معصومین (صلوات الله علیهم)، حالا تا ان شاء الله برسیم در جلسه‌ی آینده به بحث درآمدها و هزینه کردها.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.